

## نوبت شماره هشت

لنومتهای راهیان نور و

خاطراتی از روحانی بزرگوار و غلابی سید حامد حسینی

حسن عاطف ضمیر



اتوبوس شماره هشت

(دل‌نوشته‌های راهیان نور و خاطراتی از روحانی بصیر و انقلابی سید حامد حسینی)

نویسنده: حسن عاطف ضمیر

ایادداشتی از رحیم مخدومی

طرح جلد: حامد سهرابی

ناشر: رسول آفتاب

(وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب)

نوبت و تاریخ چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰ جلد ایک: ۷-۳۹-۷۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

تلفن مروری خشت: ۰۹۰۱۵۶۵۸۸۵۸

سرشناسه: عاطف ضمیر، حسن، ۱۳۵۸

عنوان و نام پدیدآور: اتوبوس شماره هشت: (دل‌نوشته‌های راهیان نور و خاطراتی از روحانی بصیر و انقلابی سید حامد حسینی) / نوشته حسن عاطف ضمیر.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی هنری رسول آفتاب، انتشارات رسول آفتاب، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص: مصور (بخشی رنگی).

شابک: ۷-۳۹-۷۳۶۵-۶۰۰-۹۷۸-۱۷۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: دل‌نوشته‌های راهیان نور و خاطراتی از روحانی بصیر و انقلابی سید حامد حسینی

موضوع: عاطف ضمیر، حسن، ۱۳۵۸ - - خاطرات / موضوع: حسینی، سید حامد، ۱۳۶۶ -

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - میدان‌های جنگ

موضوع: Battlefields Iran-Iraq War، ۱۹۸۸-۱۹۸۰ - موضوع: میدان‌های جنگ - ایران - خوزستان

موضوع: Battlefields -- Iran - Khuzestan / موضوع: راهیان نور / موضوع: Rahian-e nur tours

شناسه افزوده: مخدومی، رحیم، مقدمه‌نویس

رده بندی کنگره: ۱۸۸۸CT ۱۳۹۷ ۲۲ع/

رده بندی دیویی: ۵۵/۹۲۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۹۵۵۵۷

## فهرست:

|         |                                 |
|---------|---------------------------------|
| ۷.....  | یادداشت رحیم مخدومی             |
| ۱۰..... | به نام او که ستار العیوب است... |
| ۱۱..... | تقدیری                          |
| ۱۳..... | یاد او...                       |
| ۱۷..... | پیش گفتار                       |
| ۲۱..... | سطح شهر...                      |
| ۲۸..... | حاجت به خدا گو...               |
| ۳۷..... | لحظه های یادگی...               |
| ۳۹..... | روز اول- شهر سان باکشت          |
| ۴۱..... | به شیطان شکمت لعنت بهرست        |
| ۴۹..... | پادگان شهید کلهر                |
| ۵۱..... | چه کاری می توان انجام داد؟      |
| ۵۳..... | روز دوم                         |
| ۵۴..... | دو کوهه                         |
| ۵۷..... | کجا آمده ایم؟                   |
| ۵۸..... | بروید و مراقب خودتان باشید      |
| ۶۳..... | یادمان فتح المبین               |
| ۶۸..... | همین که گفتم!                   |
| ۶۹..... | کجا آمده ایم؟                   |
| ۷۵..... | یادمان هویزه                    |
| ۷۸..... | کجا آمده ایم؟                   |
| ۸۲..... | کجا می روی برادر؟               |
| ۸۷..... | مغرور نشو                       |
| ۸۹..... | اروند                           |

|     |                              |
|-----|------------------------------|
| ۹۲  | ..... کجا آمده ایم؟          |
| ۹۶  | ..... یادمان شلمچه...        |
| ۱۰۱ | ..... اجازه دهید خادم باشم   |
| ۱۰۶ | ..... کجا آمده ایم؟          |
| ۱۱۳ | ..... معراج شهدا...          |
| ۱۱۵ | ..... کجا آمده ایم؟          |
| ۱۱۶ | ..... رداغ...                |
| ۱۲۲ | ..... آ. سید چرا نرفتی خانه؟ |
| ۱۲۳ | ..... در آستانه بهار...      |
| ۱۲۷ | ..... باورم می شو            |
| ۱۳۵ | ..... تصاویر                 |

## یادداشت رحیم مخدومی

هر چه از دامنه انقلاب بالاتر می‌رویم، هر چه به قله نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم، صعود سخت‌تر می‌شود. از همه طرف نمایان‌تر می‌شویم؛ هم در دیده‌ی دوستان و هم در دیده‌ی دشمنان. یارانی بین راه می‌مانند، یارانی نابالغ به‌آزمی‌گردند.

سوالی اغواکننده، گاه دشمنان را درگیر می‌کند؛ آیا تا انتهای راه کسی باقی خواهد ماند؟ راننده ناباورری، جوان‌هایی تازه‌نفس - ناگهان - پدیدار گشته و همه‌ی مدعیان پیرو کسوتی را پشت سر می‌گذارند!

هر ریزشی را رویش‌هایی‌ست. انقلاب درست می‌اندازد، اما غالب تهی نمی‌کند. سید حامد حسینی از رویش‌های انقلاب بود. در زمان حیات، عجله داشت برای رسیدن و رساندن. رمز و راز رحلت زود هنگامش را من نمی‌دانم، اما یقین دارم او هم درک کرده بود این عجله را که بعضی‌ها وقتی از قفس تن رها می‌شوند، کارآمدتر می‌شوند. دشمنان بازتر می‌شود برای خدمت بیشتر. سید حامد همیشه برای خدمت بیشتر، عجله داشت.